

# اختیار وزنی «قلب» یا اختیار زبانی

## موشکافی یک سؤال کنکور سراسری

مقدمه

باز کن سرنامه را گردن متاب

زین سخن واللّه اعلم بالصواب

(مولوی)

برخی از سؤالات مطرح شده در کنکور سراسری، گاه با مصداق خود از کتاب‌های درسی تناقضی آشکار دارد، که یا از برداشت نادرست طراح سؤال یا پیچیدگی مطالب و یا اختلاف آرا ناشی می‌شود. نمونه‌ی عینی این امر طرح سؤالات کنکور سراسری از کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی متوسطه است که هر ساله شک و تردیدهایی را بر می‌انگیزد. اگرچه کم‌تر دیده‌ایم که در جهت رفع این شک و تردیدها، اصلاحیه‌ای از جانب این سازمان به مدارس یا ادارات آموزش و پرورش ارسال گردد، اما رفع این گره‌ها و تناقضات در عصر پیشرفت و سرعت و تکنولوژی امری اجتناب‌ناپذیر است. ممکن است در قبال سؤالات نادرست، حقیقی از داوطلبان ضایع نشود اما حقیقت و راستی می‌طلبد که سؤالات ما از نظر علمی در سطح استاندارد باشد تا خود موجب اطمینان خاطر همگان گردد. در این مقال برآنیم که یکی از این تناقضات را مورد بررسی قرار دهیم و قضاوت را به خوانندگان محترم واگذاریم؛ واللّه اعلم.

چکیده

نویسنده‌ی این مقاله بر آن است که یکی از ابیات کتاب ادبیات فارسی (۱) پیش دانشگاهی را، که منبع طرح سؤال کنکور سراسری قرار گرفته است، مورد بررسی قرار دهد و ضمن ایراد اشکال بر سؤال، با آوردن شواهد و مثال‌هایی از کتاب درسی و دیوان شعرا اثبات نماید که در این بیت از اختیار زبانی استفاده شده است نه از اختیار وزنی «قلب».

کلید واژه‌ها

### موشکافی یک سؤال زیر ذره‌بین تأمل

در شمار سؤالات ادبیات فارسی اختصاصی رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی کنکور سراسری (سال ۸۳)، سؤال زیر آمده است:

«۱۴۲- شاعر، در کدام رکن بیت زیر، از اختیار وزنی قلب بهره برده است؟»

نمونه تیری در تراکش قضا که فلک سوی دلم به سر انگشت امتحان نگشود

۱. رکن اول، مصراع دوم

۲. رکن دوم، مصراع اول

۳. رکن سوم، مصراع دوم

۴. رکن آخر، مصراع دوم

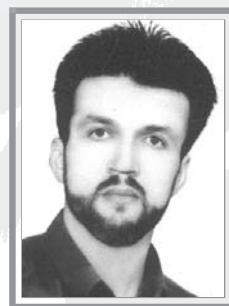
در صفحه‌ی ۴۷ کتاب ادبیات فارسی (۱) پیش دانشگاهی، تعریف اختیار وزنی «قلب»

چنین آمده است:

«شاعر به ضرورت وزن می‌تواند یک هجای بلند و یک هجای کوتاه کنار هم را جابه‌جا کند، یعنی به جای «-U» می‌تواند «U-» بیاورد یا برعکس. کاربرد این اختیار شاعری کم است و آن هم در «-U-U-» (مفتعلن) و «-U-U-» (مفاعلن) رخ می‌دهد».

با نگاهی به ابیاتی از شعرای فارسی زبان، درمی‌یابیم مصوت بلند «و» در پایان واژه‌ی «سو» در حالت اضافه گاهی کوتاه تلفظ می‌شود و نقش نمای اضافه (کسره‌ی اضافه)، که بعد از صامت میانجی «ی» آمده است، بلند تلفظ می‌شود و به تفصیل در مورد آن‌ها در کتاب

بررسی یک سؤال، سوی، قلب،  
اختیارات وزنی، اختیارات زبانی



نویسنده: محمد امین شمس‌نیا

(کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی)

درسی بحث شده است. اما طراح محترم سؤال، به جای تبیین اختیارات به کار رفته، در بیت فوق با اختیارات زبانی (کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «و» و بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه «ـ») آن را به اختیار وزنی از نوع «قلب» تعبیر کرده است. این جانب بر آن است تا، با آوردن شواهدی از کتاب درسی و شعر شاعران متقدم و متأخر، اثبات نماید که اختیار شاعری به کار رفته در بیت فوق زبانی است نه «قلب»:

۱. در صفحه ۴۲ کتاب، خودآزمایی زیر آمده است:

«۵- تقطیع مثال های زیر، به صورتی که بین دو هلال تقطیع شده است، با کدام اختیار شاعری مطابقت دارد؟» یکی از مثال ها ترکیب اضافی زیر است:

«سوی آب (ـ ـ)»

این خودآزمایی زمانی مطرح شده است که دانش آموز هنوز با اختیارات وزنی، از جمله «قلب» آشنا نشده است. روشن است که مصوت بلند «و» در پایان هجای «بو» در حالت اضافه و بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه کسره ی اضافه (ـ) است نه قلب.

۲. در خودآزمایی های صفحه ۴۳ کتاب، بیت زیر آمده است:

سوی چاره گشتم ز بی چارگی  
ندادم بدو سر به یک بارگی

و از دانش آموز خواسته شده است که اختیارات زبانی به کار رفته در آن را مشخص کند و این در حالی است که هنوز دانش آموز با اختیارات وزنی آشنا نشده است و نیز ارکان شعر بالا «فعولن» است نه «مفتعلن» و «مفاعلن».

۳. اینک، ابیاتی از شاعران متقدم و متأخر، که ارکان تشکیل دهنده ی هیچ کدام، با تعریف «قلب» سازگاری ندارد:

۱) همی بر خروشید و فریاد خواند  
جهان را سراسر سوی داد خواند

(فردوسی)

### (مقارَب مَثْمَن مَحذوف)

ه	ی	بَر	خ	رَو	ی	دُش	فَر	یا	د	خاند
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ
ج	هائ	را	بِین	را	سَر	سَر	دا	دا	د	خاند
فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعل	

۲) گریه گر سوی مژه راه نداند مژه را  
ره سوی گریه، کزو نیست گذر بگشاید

(خاقانی)

### (رمل مَثْمَن مَخْبُون مَحذوف)

گر	ی	گر	چو	ی	م	ژ	را	ه	ن	دا	ند	م	ژ	را
ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ	ـ
رَه	سوی	گر	ی	ک	زَو	نِی	سِت	گ	ذَر	بِگ	شَا	بِید		
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن

۳) سوی ارمن شتابان شد سبک خیز  
چو عنصر کاو سوی مرکز شود تیز

(امیر خسرو دهلوی)

### (هزج مسدّس محذوف)

و	ی	س	آر	مَن	شَن	تا	بَاغْ	شُدْ	سَنَ	بُکْ	خیز
و	ی	س	آر	مَن	شَن	تا	بَاغْ	شُدْ	سَنَ	بُکْ	خیز
و	ی	س	آر	مَن	شَن	تا	بَاغْ	شُدْ	سَنَ	بُکْ	خیز
چ	عُنْ	صُرْ	کُو	و	ی	مَ	کَزْ	شَنَ	وَدْ	تَنِ	
	مفاعیلن	مفاعیلن									فعولن

۴) ز ناوک سوی نیزه بردند دست

ز هر دو در آن نیز مویی نخست

(امیر خسرو دهلوی)

### (مقارِب مَثْمَن محذوف)

ز	نا	وَكْ	و	ی	س	نِی	ز	بُرْ	دَنَ	دَسْت
ز	نا	وَكْ	و	ی	س	نِی	ز	بُرْ	دَنَ	دَسْت
ز	نا	وَكْ	و	ی	س	نِی	ز	بُرْ	دَنَ	دَسْت
ز	هَر	دُ	رَا	نِی	مُو	بِی	نَ	خَسْت		
	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن		

۵) به سوی من نگذشت آن که همی

سوی هر برزن و کویش گذر است

(پروین اعتصامی)

### (رمل مسدّس مخبون محذوف)

ب	و	ی	س	مَن	نَ	گَ	دَشْ	بَاغْ	گَ	هَ	مِی
ب	و	ی	س	مَن	نَ	گَ	دَشْ	بَاغْ	گَ	هَ	مِی
ب	و	ی	س	مَن	نَ	گَ	دَشْ	بَاغْ	گَ	هَ	مِی
و	ی	س	هَر	بَر	زَ	نَ	کُو	یَشْ	گَ	دَسْت	
	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن

۶) سوی راه ورزان نیازیم چنگ

بر آزاده گیتی نداریم تنگ

(دقیقی طوسی)

### (مقارِب مَثْمَن محذوف)

و	ی	س	را	هَ	وَر	رَا	نَ	یا	زِی	مَ	چَنگ
و	ی	س	را	هَ	وَر	رَا	نَ	یا	زِی	مَ	چَنگ
و	ی	س	را	هَ	وَر	رَا	نَ	یا	زِی	مَ	چَنگ
ب	را	زا	دِ	گی	تی	نَ	دا	ری	مَ	تَنگ	
	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن

### نتیجه گیری

اگر این مثال‌ها، همگی اختیار شاعری «قلب» قلمداد شوند با تعریف کتاب درسی سازگار نیست، چرا که در تعریف کتاب گفته شده است که این اختیار شاعری (قلب) در دو رکن «مفتعلن» و «مفاعِلن» روی می‌دهد، حال آن‌که مثال‌های فوق هیچ کدام از این دو رکن نیستند.

بنابراین، به نظر می‌رسد در سؤال مطرح شده، اصولاً از اختیار شاعری قلب استفاده نشده است، بلکه از اختیارات زبانی کوتاه تلفظ کردن مصوّت بلند «و» در هجای «سو» و بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه «ه» در پایان هجای «ی» استفاده شده است.

### منابع و مأخذ

۱. اعتصامی، پروین، دیوان، به کوشش شهرام رجب‌زاده، چاپ دوم، تهران، قدیانی، ۱۳۷۳
۲. خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل، دیوان خاقانی شروانی، به کوشش ضیاء‌الدین سجّادی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۴
۳. دقیقی توسی، دیوان، به اهتمام محمدجواد شریعت، تهران، اساطیر، ۱۳۶۸
۴. دهلوی، امیر خسرو، دیوان امیر خسرو دهلوی، به اهتمام م. درویش، انتشارات جاویدان، ۱۳۴۳
۵. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، ۹ جلد، چاپ دوم، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۶
۶. وحیدیان کامیار، تقی، ادبیات فارسی (۱) پیش‌دانشگاهی، چاپ هشتم، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۱